

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

پیکار پامیر

۲۲.۱۲.۰۹

"نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان"

جلد اول

به ادامه گذشته:

ساختار سیاسی – اقتصادی پاکستان :

سرمایه داران و ملاکان بزرگ مسلمان که در آن زمان مورد حمایت استعمارگران انگلیسی نیز قرار داشتند ، با تشکیل کشور جداگانه در منطقه و زیرفرمان قرار دادن بیشتر از یکصد ملیون نیروی انسانی در سایه دیکتاتوری نظامی به نام " پاکستان " ، دست کاملاً آزاد درستمکاری و استثمار انسان نسبت به جامعه یکپارچه هند یافتند. جامعه نو بنیاد پاکستان از طبقات، اقشار و لایه های غنی و فقیر اجتماعی تشکیل گردیده و تا کنون به همان اساس به پیش میروند. طبقات عمده قدرتمند این کشور اینها اند :

(۱) - سرمایه داران بزرگ :

این طبقه اجتماعی پاکستان از یکطرف سرمایه عظیم مالی و تولیدی را در کف دارد و از سوی دیگر، به مثابه دلال فرآورده های تولیدی سرمایه های امپریالیستی جهان در کشور خودی نقش می بازی که آنرا دلال کمپرادور نیز میگویند . یا به عباره دیگر، سرمایه داران بزرگ پاکستان در عین حالیکه صاحب سرمایه های کلان ، نفوذ و موقعیت بلند سیاسی اند، با سرمایه داران بزرگ کشور های قدرتمند و انحصار گرنیز روابط حسنه و منافع مشترک سیاسی – اقتصادی داشته منافع مالی و سیاسی آنان را با تقویت شیوه بهره برداری غارتگرانه از طبقات پایینی جامعه، تضمین میکنند. سرمایه داران بزرگ این کشور، علاوه از آنکه ملیونها کارگراعم از زن ، مرد و کودک پاکستانی را به صورت ظالمانه ای در دستگاه های تولیدی شان مورد بهره برداری قرار میدهند، همیشه همان چیزی را تولید و عرضه میدارند که برای خودشان سود آور باشد ، نه آنچه را که اکثریت محروم و ناتوان توده های مردم بدان نیازحیاتی دارند .

(۲) سرمایه داران ملی :

این طبقه اجتماعی پاکستان هرچند در برابر سرمایه های خارجی و دلال کمپرادور (داخلی) گرایشات و منافع مخصوص به خود را دارد، علی رغم آنکه گهگاهی از نقش سرما یه های بزرگ امپریالیستی و موجودیت فشار

های کمپرادوری و بعضاً مانع تراشی های مکانیسم نظامی حاکم در جامعه رنج می برد ، ولی غالباً با قدرتمندان دولتی ، به خصوص نظامیان بلند رتبه این کشور، ملاکان بزرگ و اسلام سیاسی در تبنانی به سر برده و مایل است از نیروی انسانی در جامعه بهره برداری استثمار نماید. این طبقه اجتماعی در پاکستان هرچند گاهی بر روی برخی از خواستها و تحرکات سیاسی طبقات متوسط جامعه، آنها را از مجرای تشکلات سیاسی آنها لیخنند میزند، مگر عمدتاً گرایشات ارتجاعی و ضد مردمی دارد.

۳) ملاکان یا زمین داران بزرگ :

این طبقه نیز با در اختیار داشتن هزاران هکتار زمین مزروعی ، بهره گشی ظالمانه از وجود دهقانهای بی زمین یا کم زمین ، همسویی طبقاتی با سرمایه داران بزرگ و سهم داشتن در ماشین قدرت دولتی ، همیشه بر گرده مردم پاکستان سنگینی میکند. هرچند ملاکان بزرگ پاکستان، با صنعتی شدن بیشترکشور و رشد تولید سرمایه داری در شهر ها، سهم و نقش خودشان درسکتور تولید سرمایه داری را نیز اداء میکنند، با سهمگیری درحاکمیت سیاسی و نمایندگی در پارلمان و سایر نهاد های دولتی و همسویی عمیق با اسلام سیاسی و ارتجاع داخلی از وجود ملیونها دهقان فقیر بهره می گشند. نفوذ این طبقه ، به خصوص در روستا های پاکستان شدید است و با تبنانی با سایر طبقات حاکم ، تا میتواند دود از دمار اکثریت محروم این کشور میگذشد.

نظامیان :

نظام عسکری پاکستان که در واقع، میراث استعمار بریتانیا در شبه قاره هند است، حاکم اصلی بر سرنوشت مردم پاکستان بوده تصمیم نهایی به دست همین ها میباشد. هرچند با موکراسی بازی از قبیل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و . . . و رفت و آمد رؤسای جمهور ونخست وزیران به صحنه سیاست ، میخواهند اذهان عامه را بفریبند، اما تجارب چندین ساله در این کشور ثابت ساخته است که سر نخ همیشه به دست جنرالان نظامی است. در واقعیت امر، مردم پاکستان در طول شصت سال اخیر، همیشه در زیر ساطور خونین "مارشال لاو" یا حکومت های نظامی به سر بُرده و تاکنون چندین بار نخست وزیران مُلکی یا انتخابی ازطرف نظامیان مقتدراین کشور سرنگون شده اند.

ارتش پاکستان یک ارگان خطرناک، پُر قدرت و همه کاره دیگری در درون تشکیلات خود دارد که آن عبارت از شبکه استخبارات عسکری به نام (آی. اس. آی. I.S.I) یعنی Inter Service Intelligence میباشد که با آگاهی از همه گونه اسرار سیاسی، نظامی ، امور خارجی وحتا مسایل شخصی و خصوصی شهروندان و با برخورداری از بودجه سرسام آور و اختیارات نامحدود، در رأس همه کس و همه چیز قرار دارد. شبکه مذکور، مخصوصاً درسالهای اخیر، با برقراری روابط تنگاتنگ با شبکه های استخباراتی (سی آی ای)، (انتجنس سرویس انگلستان)، (موساد) اسرائیل و جلب همکاریهای مالی و تخنیکی آنان ، چنان وسعت یافته که فعالیتهای خود را علاوه از درون پاکستان، تا درون کشور های منطقه و از جمله، افغانستان نیز گسترش داده است. در رأس این شبکه جهانی ، همیشه یکی از جنرالان نزدیک به اهرم قدرت سه گانه نظامی (نیرو های زمینی ، بحری و هوایی) پاکستان تکیه زده است. این تشکیلات استخباراتی به ویژه طرف سه دهه اخیر و در قبال مصیبت های خونبار مردم افغانستان، تخریبات ، مداخلات و تجاوزات دامنه داری علیه منافع ملی افغانستان انجام داده و هنوز هم در این زمینه فعال مایشاء میباشد. گفتنی است که کار این شبکه، تنها جمع آوری اطلاعات به منظور "سلامتی پاکستان" نیست، بلکه قاچاق مواد مخدر از منطقه به خارج، به راه اندازی فعالیتهای تروریستی ، پرورش عناصر خرابکار و دخالتهای خصمانه و تخریب کارانه در امور سایر کشور ها نیز میباشد.

رؤسای این دستگاه خرابکار پاکستان، به ویژه درسه دهه اخیر اینها بوده اند :

جنرال اختر عبدالرحمن

جنرال حمید گل

جنرال جاوید ناصر

جنرال شمس الرحمن کالو

جنرال آصف درانی

جنرال محمود

جنرال نسیم رعنا

چوهدری منظور احمد

...

متنفذین محلی :

درکنار این قدرتمندان پاکستانی، قشر دیگری نیز وجود دارد که در بهره گشتی از مستمندان و ستم سالاری علیه دیگران سهم فعال دارند. اینان عبارت اند از رهبران محلی، ملاها و مفتی ها ، رهبران احزاب و تنظیم های (مذهبی - سیاسی) ، مامورین عالیرتبه حکومتی ، پولیس ، سود خوران ، رشوه گیران و متحدین آنها میباشد. عناصر متنفذ محلی که با صرف پول و اعطای تحایف برای صاحبان اصلی قدرت، دلالی برای حفظ منافع آنها ، شراکت در استثمار و استثمار مردم و راه های خاص و عام دیگر، نفوذی به هم زده و در حمایت متقابل با قدرتمندان بزرگ علیه اکثریت محروم جامعه قرار دارند. رهبران احزاب سیاسی ارتجاعی که علاوه از امر و نهی حزبی و تشکیلاتی، به اساس منافع ایدئولوژیک - طبقاتی شان به یکی از دسته بندیهای قدرت سیاسی حاکم پیوند خورده اند یا به مثابه چماقی به دست قدرتمندان اصلی قرار دارند و یا خود به حیث ستمگر علیه مردم خویش عمل میکنند مانند رهبران "جماعت علمای پاکستان" به رهبری مولانا فضل الرحمن، "جماعت اسلامی پاکستان" به رهبری قاضی حسین احمد، "حرکت المجاهدین" به رهبری فضل الرحمن خلیل، "حرکت الانصار" به رهبری . . . و امثالهم. رهبران مذکور هم کرسی نشین پارلمان مرکزی و ایالتی پاکستان اند و هم پیوند تنگاتنگ با ارتش و شبکه استخباراتی آن دارند و هم خواهان رسیدن به حاکمیت سیاسی و اسلامیزه کردن پاکستان میباشد. (در صفحات آینده، تفصیل بیشتری در این زمینه ها خواهیم داشت)

ادامه دارد